

تحلیلی بر سبک تفکر شورایی در ایران معاصر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸

منصور عنبر مو^۱

مجید توسلی رکن آبادی^۲

جلال درخشه^۳

چکیده

موضوع این پژوهش، شورا در ایران معاصر است. شورا یکی از مصرح‌ترین سازوکارهای تنظیم مناسبات اجتماعی و واجد اهتمام نص، سنت و عرف در راستای بسط حاکمیت مردم است؛ از این رو، فهم وجوه کارکردی شورا در حکمرانی، از دوره پیشامشروطه، در کانون مباحث رهبران سیاسی و اندیشمندان قرار داشته است. با این حال، به نظر می‌رسد استفاده بهینه‌ای از شورا در ساحت سیاسی نشده و در دام مغالطات و کژکارکردی‌هایی فروغلیده است. هدف این پژوهش، فهم جایگاه شورا در روندهای سیاسی ایران معاصر است. سؤال اصلی این پژوهش این است که ماهیت سبک تفکر شورایی در ایران معاصر از حیث تاریخی و نظری واجد چه مدلول‌ها و مختصات است؟ به منظور فهم بهتر مسئله، تلاش شده است خوانش متفکران ایرانی از شورا در بستر روش تاریخ فکری، مورد مذاقه و وجوه تطابق و تمایز آن با مبانی نظریه عمومی شوری ارزیابی شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، به دلیل نحیف بودن ادبیات شورا، غیبت آن در روندها و تفکرات سیاسی ایران معاصر امری جدی است، از این رو، از مجرای بررسی نظریه‌های شورا و سنجش ابتناء حداکثری و حداقلی آنها با مبانی شوراکراسی، می‌توان سبک تفکر شورایی در ایران معاصر را حول دوگانه «ولایت شورا» و «سیاست شورا» صورت‌بندی کرد که هرکدام واجد پشتوانه‌های نظری، امکان‌ها و موانع منحصر به خود است.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران ایران: mansour_anbarmoo@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول): tavasoli@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران:

j.dorakhshah@yahoo.com

کلید واژه‌ها: شورا، شوراگرایی، ولایت شورا، سبک تفکر، نظریه عمومی شورا.

۱. مقدمه و بیان مسئله

شوری/ شورا^۱ از باسابقه‌ترین سازوکارهای تنظیم مناسبات اجتماعی در اسلام است و حتی از دوره پیشااسلام نیز در قامت یک الگوی عرفی، زمینه‌ساز حل و فصل مسائل جمعی بود (Al Qayd, 2002: 25). به دلایلی از جمله تطورات مفهومی، تجارب تاریخی، غلبه گفتمان سلطنت اسلامی، چیرگی وضعیت استبداد سیاسی و در نهایت ظهور دولت - ملت‌های و بروز چالش هم‌نشینی / تعارض شورا با امامت شیعی و دموکراسی غربی، شورا مجال چندانی برای بروز نیافته است. در دوره معاصر در مواجهه با شورا سه رویکرد اصلی مشتمل بر «اثبات ناسازگاری اسلام و استبداد»، «سازگاری اسلام و دموکراسی» و «برتری شورا بر دموکراسی» قابل شناسایی است که از مجرای آنها، متفکران مسلمان در صدد عرضه نوعی نظام سیاسی غیر اقتدارگرا بوده‌اند (میراحمدی، ۸۷: ۱۳۹۳)؛ به عبارت بهتر، بدل نمودن شورا از حاکمیت الهی به نوعی قرارداد اجتماعی^۲. در ایران، به سبب تجارب تاریخی شامل شورای سقیفه، فرهنگ سیاسی^۳ استبدادی و امتناع دستگاه فقهی شیعه در پرورش مفهوم شورا، این باب مغفول ماند و مجموعه‌ای از تحولات بیرونی و جوشش‌های داخلی اعم از جریان‌های فکری در دوره پیشامشروطه تلاش نمودند با ایده‌پردازی‌ها و سازوکارهایی نظیر شورای مشورتی و مصلحت‌خانه در عصر تنظیمات اولیه و حسنه، شورا را وارد ادبیات مذهبی و سیاسی نمایند.

از حیث نظری، شورا از آن دست مفاهیم پرمنافشه و دارای اغتشاش است که دست‌مایه سایش‌ها و تفاسیر متعدد گشته و به صورتی مداوم، به عنوان یک غایت و یک ابزار/روش در نوسان بوده است؛ همچون یک مفهوم بارور^۴ حامل تعبیری عام همچون مشاوره، مشورت، مشارکت، مجمع، مجلس، انجمن، شور و گفت‌وگو. در پژوهش حاضر منظور از ولایت شورا، ماهیت و کارکرد خاص آن یعنی «شوراگرایی»^۵ مبتنی بر نظریه عمومی شورا است. از منظری شوراگراتیک، شورا، نهادی الزام‌آور و جامع‌الاطراف است که اداره

1 Shura.

2 Social Contract.

3 Civic Culture.

4 Futile.

5 Shuracracy.

امور مسلمین را بنا بر اصل «ولایت شورا» اعمال می‌نماید. از این منظر، ماهیت و کارکرد شوراکراسی، نسبت مستقیمی با موقعیت قرارگرفتن «نهاد شورا» در نزدیکی جامعه و یا قدرت سیاسی دارد؛ به این صورت که هرچه در حوالی جامعه یعنی در حوزه عمومی و از پایین به بالا به کار گرفته شود، به مبانی شوراکراسی نزدیک‌تر است؛ به همین میزان قرارگرفتن شورا در جوار قدرت سیاسی، سبب تضعیف و یا استحاله شوراکراسی می‌شود. در باب اهمیت نهاد شورا، تیمور کوران در کتاب «در انتظار آزادی، میراث سیاسی احکام اسلامی در خاورمیانه» در پاسخ به این سؤال که چرا خاورمیانه از منظر سیاسی توسعه نیافته است و آزادی بهایی ندارد، پاسخ می‌دهد که چرایی، در این مسئله نهفته است که نهادهای اسلامی، ابزارهای سازمانی برای جلوگیری از حکمرانی خودسرانه ایجاد نکردند (Kuran, 2023: 46). طبعاً، شورا، از جمله نهادهای مهمی است که می‌تواند با ابزارهای مشارکت، انتخاب و حاکمیت قانون، زمینه بسط حقوق و آزادی در جوامع اسلامی را فراهم نماید.

۲. هدف و پرسش پژوهش

اهداف این پژوهش، فهم جایگاه و روندهای سیاسی و اجتماعی معطوف به شورا و واکاوی نظریه‌های شورا در ایران معاصر است. پرسش‌های پژوهش این است که ماهیت سبک تفکر شورایی در ایران معاصر از حیث تاریخی چیست؟ نظریه‌های شورا در ایران معاصر از حیث نظری واجد چه مدل‌ها و مختصات است؟

۳. پیشینه پژوهش

در خصوص فهم سبک تفکر شورایی از مجرای تاریخ‌نگاری در جهان اسلام و ایران تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته، با این حال در آثار مختلفی، فهم ماهیت و سازوکار اعمال شورا مدنظر بوده است. سید محمود طالقانی (۱۳۶۲ و ۱۳۷۸) ضمن ارائه شرحی نو از آرای میرزا حسین نائینی در بحث شورا و نظرات او در کتاب «تبییه الامه و تنزیه المله»، بازپرداختی از مباحث او ارائه کرده که بعدها در نظریه نظام شورایی خود تبلور دارد. سید علی میرموسوی (۱۳۷۸) به تشریح آرای الشاوی با تأکید بر کتاب «فقه الشورا و الاستشاره» و مرور سرفصل‌های اصلی این کتاب و نقد برخی موارد آنها می‌پردازد. منصور میراحمدی (۱۳۹۳، ۱۳۹۴) باهدف تحلیل نسبت میان دموکراسی مشورتی و شورا، با تحلیلی هرمنوتیکی به ارزیابی از اسلام و بخصوص از مفهوم شورا دست می‌یابد؛ به نحوی که فراتر از دموکراسی مشورتی قرار می‌گیرد. با

استفاده از چارچوب شوراکراسی اسلامی، وی در صدد بازخوانی تجربه ایرانی برآمده و انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی را از تجارب موفق شوراکراسی در ایران بر می‌شمرد. داود فیروزی (۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۹) تلاش کرده تا ضمن اشاره به مبانی مردم‌سالاری شیعی در دو الگوی مشروطه و جمهوری اسلامی تحولات این دو نظریه را در یک‌صد سال اخیر گزارش و مبانی و فرایند نوگرایی مردم‌سالارانه در ایران و مذهب شیعه با تأکید بر فهم مبانی نظریه عمومی شورا مورد کاوش قرار دهد. همچنین سلطانی (۱۳۹۵) و مسائلی (۱۴۰۱) از حیث تاریخی و جامعه‌شناختی، به ساختارهای شورایی اهل سنت در ایران معاصر اشاراتی داشته‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر با این آثار در تعیین بخشی به مبانی شوراکراسی در نظریات شورا در ایران، تحلیل موضوع شورا در بستر تاریخ فکری (توجه توأمان به مفهوم و واقعیت‌های اجتماعی)، بررسی مقاطع مهم بروز شورا در ایران معاصر و مرور نظریات شورಾಗرایان شیعه و اهل سنت است.

۴. مبانی نظری

در این پژوهش، مفاهیم و اصطلاحات زیر مورد کاربست قرار گرفته است که لازم است به منظور فهم بهتر موضوع، مورد شرح بیشتری قرار گیرد.

- سبک تفکر: این مفهوم توسط هنری استیورات هیوز^۱ متفکر مهم مکتب تاریخ فکری، صورت‌بندی شده و اشاره به مجموعه اصول مشترک میان اندیشمندان یک عصر حول یک جریان فکری دارد. به طور مثال متفکران مختلف قرن نوزدهم که در حوزه‌های متفاوت می‌اندیشیدند، اما در نقد مارکسیسم و شورش علیه پوزیتیویسم با یکدیگر هم عقیده بودند (Bavaj, 2010:42).
- شوراکراسی: نوعی پردازش سیاسی و اجتماعی حول نص و عرف است که بر مبنای جایگاه شورا و ترتیبات سیاسی و اجتماعی منتج از آن ترسیم شده است. در این سازوکار، نهاد شورا در راس و واجد تصمیمات الزام‌آور در اداره سیاسی و اجتماعی است.
- ولایت شورا: نوعی وضعیت است که در آن، شورا، ورای ساختارها و اراده‌های فردی، نهاد قانون‌گذار و تعیین‌کننده مناسبات جمعی در جامعه اسلامی است.

¹ H. Stuart Hughes.

- سیاست شورا: نوعی کاربرست شورا ذیل ساختارهای فردی و جمعی است. در این وضعیت، شورا، ساختاری مکمل در خدمت قدرت و ساختارهای فردی است و اراده فرد بر شورا ارجحیت دارد.

شورا در جهان اسلام و ایران، واجد ادبیات معتنا بهی است و نظریه‌ها و آرای متنوعی پیرامون آن پدید آمده است. متفکرانی همچون ابوالحسن الماوردی، محمد رشیدرضا، حسن الترابی، محمد مهدی شمس الدین، سید محمد حسین فضل الله و توفیق محمد الشاوی را می‌توان در دسته‌بندی‌های مختلف معرفتی (شورا به مثابه یک هدف یا روش)، کارکردی (حیث تعبیر و حوزه شمول)، مذهبی (شیعی و سنی)، جغرافیایی (حوزه غرب و شرق اسلامی) قرارداد. در این بخش تلاش می‌شود ضمن مرور برخی نظریه‌های شورا در میان متفکران مغرب و مشرق اسلامی، نظریه مجهزتر از حیث ماهیت، کارکرد، گستره شمول و لوازم در اختیار، به عنوان مبنای نظری مورد انتخاب قرار گیرد.

ابوالحسن الماوردی، از محققان سیاسی اسلامی در دوره میانه، از نظریه اهل حلّ و العقد با نام «اهل الاختیار» برای طرح نظریه شورا استفاده می‌نماید (al-Mawardi, 2006:25). ماوردی معتقد است، امامت سیاسی از دو مسیر انتخاب اهل حل و العقد و تعیین امام پیشین (استخلاف) ثابت می‌شود. او به آیات سوره طاهّا (۲۹-۳۲) اشاره دارد که اهمیت مشورت و شریک بودن موسی و هارون در تکلیف نبوت را نقل می‌کند. به نظر وی اگر در شریک شدن در سطح نبوت، تکلیف وجود دارد، پذیرش شورا در رهبری جامعه اسلامی به مراتب مقبول‌تر است (al-Mawardi, 2006:29).

محمد رشید رضا، از متفکران مسلمان دوره معاصر رویکردی نخبه‌گرایانه به مسئله شورا با سازوکار شورای اهل حل و العقد دارد (میراحمدی، ۱۳۸۴:۱۴۱). از نظر وی اگر حکومت اصل شورا را بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان به کار ببندد، دموکراسی برای مسلمانان تأمین می‌شود (رشیدرضا، ۱۳۸۶:۲۰۵). شرایط ظهور شورا از نظر رشید رضا در مواردی است که نصی از خدا و سنت رسول نداشته، اجماع صحیحی بر آن نیست و نص اجتهادی غیرقطعی دارد. از این رو شورا بر حاکم واجب است و عمل به رای فردی بدون مشورت با مسلمانان جایز نیست. شورا تأمین‌کننده مصالح عمومی است و ضرورت دارد (رشیدرضا، ۱۳۸۶:۲۰۵).

در اندیشه حسن الترابی، متفکر و سیاست‌مدار سودانی، شورا به مثابه یک «قانون عمومی»^۱ قابل تحلیل است. مفهوم شورا نزد الترابی در پیوندی اساسی با دو مفهوم حاکمیت و اجماع است. از نظر او حاکمیت نهایی و مطلق نزد خداوند است و شوری نیز مبتنی بر اصل حاکمیت خداوند و برتری شریعت در جامعه مسلمانان است. قدرت برتر، در حکومت اسلامی، نصوص الهی است و سپس مردم. از نظر وی شورا ارتباط وثیقی با مشارکت سیاسی دارد و به مثابه آن است (al-Turabi, 1997:157). بر این اساس الترابی، شورا را در سه سطح گردهمایی، تجمع و شوراها برای جامعه اسلامی عرضه می‌کند (al-Turabi, 1997:169). راشد الغنوشی نیز اجتهاد و اجماع را در کنار شورا، منبع پویایی جوامع اسلامی و سازوکار اعمال جانشینی انسان از سوی خدا و آزادی دینی، فکری و سیاسی می‌داند و آن اجتهاداتی را که از نهاد شورا صادر می‌شود، الزامی و به مثابه یک قانون برای تنظیم امور عمومی می‌داند (الغنوشی؛ ۱۳۸۵).

در مشرق اسلامی نیز محمدمهدی شمس‌الدین نظریه سیاسی «ولایت امت بر خود»^۲ را به منظور اعتباردهی به شورا وضع نمود. وی با بهره‌گیری از مجموعه مبانی فقهی و کلامی تلاش کرد ثابت کند که ولایت سیاسی در دوره غیبت حق انحصاری امت است (شمس‌الدین، ۲۰۰۰: ۳۱۰). مبانی نظری وی مبتنی بر بنیان‌هایی همچون اصل عدم ولایت، اصل ولایت انسان بر خود، اصل معطوف بودن امر حکومت به امت، اعتبار شورا به عنوان مبنای نظام ولایت امت، عرفی بودن دولت و قرار داشتن ولایت امت در منطقه الفراغ تشریعی است (شمس‌الدین، ۲۰۰۰: ۴۳۳ و شمس‌الدین، ۱۹۹۱: ۱۱۶). سید محمدحسین فضل‌الله نیز به شورا به عنوان یک ظرفیت نظام اجتماعی قرآنی در چارچوب مشورت و مشارکت اجتماعی می‌نگرد. از نظر وی شورا غیرالزام‌آور، مشورتی، محدود به مسائل سیاسی است (فضل‌الله، ۱۳۸۰).

نظریه عمومی شورا به عنوان مبنای نظری پژوهش

نظریه عمومی شوری از جهت دارا بودن ویژگی‌هایی همچون درون دینی بودن مبانی و قرار داشتن شورا در محدوده شریعت اسلام، اولی بودن و ولایت مندی شورا، چسبندگی شورا با حوزه عمومی، الزام‌آور بودن و جامعیت؛ اتصال شورا به جامعه و انفصال از قدرت و فراخ بودن گستره شورا به هر دو ساحت سیاست‌گذاری^۳

۱. امر العام.

۲. ولایت الامه علی نفسها.

و سیاست‌گذاری^۱، از تجهیزات و لوازم کارآمدتری برخوردار است.

این نظریه، به مثابه بنیاد مهم اصلاح‌طلبی دینی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، ماحصل توفیق محمد آرای الشاوی است. وی به شورا به مثابه یک «نهاد قانون‌گذار» می‌نگرد. برای الشاوی شورا نه یک قاعده منسوخ درگذشته بلکه به شکل تاریخ‌مند، الگویی مناسب برای تطورات آتی جامعه اسلامی است و ریشه در قرآن و سنت دارد. الشاوی شورا را «عروه وثقی» در مقام عامل استحکام‌بخش جامعه اسلامی می‌نامد و از آن به عنوان مهم‌ترین مبدأ نظام‌سازی و حکمرانی و به مثابه دستور کار ایجاد قانون می‌نگرد (الشاوی: ۱۹۹۳: ۳۳). شورا برای جمیع افراد اعم از گروه‌ها و اقلیت‌ها حق گفت‌وگوی آزاد و مناقشه پیرامون ادله و استدلال‌های همه شرکت‌کنندگان را فراهم می‌کند؛ زیرا گفت‌وگو نه بر اراده اکثریت در دموکراسی‌ها، بلکه بر مدار ارزش موجود در هر رأی از حیث حق و عدالت استوار است (الشاوی: ۱۹۹۳: ۲۱). تثبیت اجتهاد جمعی به جای اجتهاد فردی در فقه سیاسی و تحقق غایت «فقه الشورا» به «فقه الامه»، غایت نظریات شاوی است (الشاوی: ۱۳۷۷).

ضرورت طرح شورا از سوی الشاوی در دوره معاصر، در غیریت با دو مفهوم «استبداد و دموکراسی» قابل فهم است. به این صورت که از نظر الشاوی خطر استبداد حکام امروزی از حکام گذشته به مراتب سهمگین‌تر است؛ زیرا آنها امکان استفاده از شریعت را به نفع خود دارند و از آن برای توجیه سلطه و محروم کردن جامعه از حقوق استفاده می‌کنند. در خصوص غیریت بخشی با دموکراسی نیز، الشاوی بر آن است که شوراگرایی ارجح بر دموکراسی است و شورای اسلامی، محلی است برای مشارکت آزادانه همه افراد اجتماع بر اساس عدالت و ارجح بر دموکراسی‌های امروزی. اسلوب شورای اسلامی در اعطای آزادی کامل به افراد جامعه فارغ از جایگاه طبقاتی، قومی و شغلی است. از نظر شاوی، یکی از موارد ارجحیت اسلام نسبت به دموکراسی این است که در دموکراسی فرد در اکثریت ذوب می‌شود و آزادی او تحت شعاع اکثریت قرار می‌گیرد، اما در پرتو اصل شورا، حق فرد مقدم بر جامعه می‌شود (الشاوی: ۱۹۹۵: ۴۹).

الشاوی بر آن است که مفهوم شورا باید از نظر مفهومی، تفکیک و در سه تعبیر ۱. شورا به مثابه یک نهاد

قانون‌گذار تام، ۲. شورا به مثابه مشورت و ۳. شورا به مثابه گفت‌وگو و اجماع محفلی دسته‌بندی شود. وی با ۸۹ واکاوی فقهی و تاریخی، اصطلاحات متعلق به شورا را مترادف نمی‌داند و بر آن است که باید میان واژگان

شورا، مشاور و استشاره تمایز قائل شد. استشاره امری اخلاقی، غیرالزام‌آور و در حوزه‌های شخصی و خصوصی است. شورا مربوط به امور عمومی است، الزام‌آور است و منتهی به ایجاد تصمیم و قرارداد اجتماعی است؛ درحالی‌که مشورت (حوزه فقه و اجتهاد) در میانه این دو قرار دارد (فیرحی؛ ۱۳۸۸).

۵. روش تحقیق

برای توضیح و فهم موضوع پژوهش باید از روش‌هایی استفاده کرد که تأثیر و تأثر و تعامل اندیشه؛ جامعه و واقعیت‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار دهند. روش تحقیق در پژوهش حاضر از زاویه تهیه، تحلیل و تألیف داده‌ها، روش تفسیری - تاریخی در چارچوب تاریخ فکری^۱ است. تاریخ فکری نظام‌های ذهنی و فکری که معنایی از تاریخ یک فکر را در قالب زمینه‌ها و رویدادهای مرتبط بحث می‌کند، برجسته می‌نماید. موضوع تاریخ فکری، مطالعه روشنفکران، ایده‌ها و الگوهای فکری است (هیوز، ۱۳۷۳: ۳۴) تاریخ فکری تلاش دارد مقام اندیشه‌ها را در متن جامعه‌ای که خاستگاهشان بوده، با عنایت به تأثرات و مناسبات متفکر معلوم کند. مفروض تاریخ فکری این است که اندیشه نمی‌تواند مجرد از زمینه‌های سیاسی و فرهنگی و مانند آن باشد (حقیقت؛ ۱۳۹۳: ۱۲۶). به همین منظور با مرور تتبعات نظری و مکتوبات متفکران ایرانی در کنار رصد تحولات تاریخی منتهی به شورا، سبک تفکر^۲ و منطق درونی شورا، مورد بحث و ملازمت این نظریات با مبانی شوراگرایی مورد سنجش قرار خواهد گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

با توجه به سوال‌های پژوهش که ناظر بر چیستی ماهیت سبک تفکر شورایی در ایران معاصر از حیث تاریخی و نظری بود، در بخش نخست روند تاریخی شورا در ایران معاصر و در بخش دوم آرای متفکران شورا اندیش ایرانی در قالب نظریه‌های شورا مورد بررسی قرار گیرد. در بخش سوم نیز با نگاهی تحلیلی، از مجرای یافته‌های پژوهش، ماهیت سبک تفکر شورا در ایران معاصر مورد استحصال قرار خواهد گرفت.

بخش نخست؛ تاریخ‌نگاری شورا در ایران معاصر

علی‌رغم نص صریح کاربست شورا، در اندیشه سیاسی تشیع و ایرانی، سازوکار شورا، نوین و فاقد پرداخت نظری و تجربه عملی است. از جمله زمینه‌های این موضوع می‌توان به تجارت تاریخی صدر اسلام

^۱ Intellectual History

^۲ Style of Thought

به خصوص ماجرای سقیفه، تسلط پارادایم نصب الهی امام، فرهنگ سیاسی و تاریخ بلند استبداد اشاره داشت. از این رو، تا ابتدای قرن چهاردهم شمسی، شیعیان ایرانی اعتنای چندانی به شورا نداشته باشند و در ابواب فقهی، باب و ادبیات شورا مغفول ماند (فیرحی، ۱۳۸۸). پس از ارتباط با غرب و ناکامی در اصلاح نظام استبدادی قاجاری، تحولی اساسی در اندیشه متفکران سیاسی ایرانی پدید آمد؛ به نحوی که تنها راه نجات ایران را برقراری سلطنت مشروطه، تأسیس پارلمان و حاکمیت قانون می‌دانستند. مشخصه اصلی این دوره اصلاح نظام سیاسی از مجرای شورا است و به همین منظور ایده‌هایی همچون مصلحت‌خانه و عصر تنظیمات پردازش گردید که هرکدام، ارتباط مؤثری به بحث شورا داشتند.

مصلحت‌خانه

مصلحت‌خانه یا مشورت‌خانه از نخستین ساختارهای سیاسی معطوف به شورا بود که یک سال پس از تشکیل شورای دولتی در سال ۱۲۶۷ش برپا شد. معادل این ساختار در پایتخت، در برخی ولایات نیز نوعی مصلحت‌خانه محلی، متشکل از معتمدان شهر تأسیس شد. این تشکیلات در واقع سلف مجلس تنظیمات ولایتی است که در سال ۱۲۹۲ش در دوره میرزا حسین خان سپهسالار در سراسر ایران به وجود آمد (ناطق، ۱۳۶۸: ۱۸۹). خصلت این ساختار، مشورتی بودن، قراردادن ذیل دولت، انحصار در میان نخبگان سیاسی و غیرعمومی بودن بود. اساسنامه مصلحت‌خانه مقرر داشته بود که «عقلای مملکت و صاحبان افکار صائبه آنچه برای منافع مملکت و صلاح امور خلق تدبیر کرده باشند، در آن مجلس بیان کنند. به علاوه تکلیف اهالی آن مجلس است که آنچه را خود قابل دانند، مطرح کرده و در سر آن گفت‌وگو نمایند و حاصل آرای مجلس را به شورای دولت بفرستند تا در آنجا به انجام برسانند.» (ناطق، ۱۳۶۸: ۱۹۱).

عصر تنظیمات، اگرچه حافظ جایگاه پادشاه بود، اما تلاش داشت اراده پادشاه از مجرای یک شورای انتصابی عبور کند؛ به این صورت که شاه افرادی را به عنوان شورا تعیین کند و آنها به صورت پیشینی قوانین را تهیه به شاه عرضه کنند (فیرحی، ۱۴۰۰: ۷۹). در دوره تنظیمات اولیه (۱۲۳۳-۱۲۳۴ش)، مجلس شورای دولتی متشکل از ۲۳ تا ۲۷ نفر حضور داشتند، ترکیب این اعضا از شاه، سه شاهزاده، هشت وزیر و ۱۲ تا ۱۵ مشاور عنوان شده بود. در شرایط فقدان تفکیک قوا، شاه مختار بود که نظر این مجلس را بپذیرد یا رد کند. دوره تنظیمات حسنه (۱۲۴۶-۱۲۵۶ش) متناظر بر دوره‌ای است که با تفکر سیاسی معطوف به شورا با

الگوی حکمرانی عثمانی، نزدیکی بیشتری دارد و رهبری این تنظیمات بر عهده میرزا سپهسالار، فرخ خان غفاری و ملک‌محمّد خان بود (فیرحی، ۱۴۰۰: ۷۵). در همین دوره، ایده‌های متنوعی در باب شورا شکل گرفت. مثلاً تنظیم قانون شهری کتابچه کنت که به وسیله کنت دومونت فورت^۱ نخستین رئیس نظمیه (پلیس) تهران در زمان ناصری، تدوین شد که یکی از مواد آن، ایجاد شورای شهری بود (Floor: 273: 1973). میرزا عبدالرحیم الهی با تفسیری الهیاتی از شورا، درصدد بود مجلس شورای زمینی را از روی نقشه «مجلس شورای آسمانی» ایده‌پردازی کند. وی تلاش دارد تا نشان دهد، مجلسی که مشروطه‌خواهان ایرانی در غرب به دنبال آن هستند، در قرآن مستور است و مسلمانان از وجود آن بی‌خبرند (تربیت؛ ۱۳۲۴ق). الهی اندیشه خود را بر اساس خوابی بیان می‌کند، به این صورت که در حین تفکر درباره مجلس شورای ملی به حالت خلسه رفته و یکی از فرشتگان با بازکردن درهای مجلس شورای آسمانی وی را وارد می‌کند. الهی طرف خطاب خود را اعضای حکومت، سلطان و افراد جامعه قرار می‌دهد که «خداوند خود را از شورای ملائکه بی‌نیاز نمی‌داند و شما چطور خود را از مجلس شورای زمینی بی‌نیاز می‌دانید؟» (صدقی؛ ۱۳۸۲: ۲۱).

تأسیس دارالشورای کبری

باتوجه به تجارب دوره تنظیمات، تأسیس دارالشورای کبری (مجلس شورای ملی) از نمودهای مؤثر بسط سازوکار شورا در ایران بود و بیش از هر ساختار دیگری، در زمینه توزیع، تجمیع آرا و تمرین تفکر شورایی نقش داشت. انقلاب مشروطه از منظر تنوریک، تقاطع چالش‌های نظری روحانیت در تأسیس مجلس شورا، طرح نظریه‌های موافق و مخالف مشروطیت و فعالیت احزاب چپ و از نخستین طلیعه‌های شورا در مفهوم سیاسی بود. در واقع در این دوره، شورا باهدف زدایش استبداد از ساخت سیاسی و متأثر از تحولات سیاسی، محمل‌گذار از نظم سلطانی به نظم جدید شد. از جمله مطالب مهم در نوشته‌های علمای مشروطه‌خواه در توجیه دفاع از نظام مشروطه، تطبیق ارکان نظام مشروطه به‌ویژه مجلس شورای ملی بر آیات شورا در کتاب قرآن است. مجلس مشروطه، به محمل طرح و تطبیق نظریه شورا در فقه شیعه بدل شد؛ به نحوی که شیخ فضل‌الله نوری، شورای ملی را موضوعی خارج از اسلام لحاظ می‌کرد^۲؛ درحالی‌که آخوند خراسانی باوجود

۱. Conte di Monteforte.

۲. «ای خداپرستان این شورای ملی و حریت و آزادی و مساوات و برابری و اساس قانون مشروطه حالیه لباسی است به قامت فرنگستان دوخته که اکثر و اغلب طبیعی مذهب و خارج از قانون الهی و کتاب آسمانی هستند». برای اطلاعات بیشتر ر. ک

درک متفاوت امر سیاسی - مذهبی معتقد بود، بدون اینکه دین و دولت تفکیک شود یا یکی بر دیگری سلطه افکنده باشد، این دو، نسبتی از نوع «شراکت» دارند؛ در واقع، دین و دولت در این دستگاه فقهی در عین استقلال، چنان به هم تنیده‌اند که بقا و تعادل هر یک به دیگری بسته است و مجلس شورای ملی مسئول و کارگزار رسمی این تعادل است (کدیور؛ ۱۳۸۵: ۱۵۶). میرزا حسین نائینی نیز با تأکید بر اینکه همه مدل‌های موجود حکومت در دوان غیبت اعم از سلطنت و مشروطه نامشروع (جور) هستند، بر آن بود که جامعه اسلامی باید با به‌کار بستن قاعده «دفع افسد به فاسد» و بازشناسایی حکومت‌ها به «جائر عادل و جائر ظالم»، حکومت مشروطه را که نمونه «جائر عادل و مبتنی بر ولایت عامه» است، برگزیند (نائینی؛ ۱۳۵۸: ۳۸). از جانب دیگر، برخی روشنفکران ملی‌گرا تلاش داشتند، شورا را ذیل کارکرد پارلماناریسم فهم کنند. میرزا ملکم خان بر آن بود ایجاد قانون منوط به حکم شورا و شورا منوط به اجماع عمومی است: «قانون ظاهر نخواهد شد مگر به حکم شورای کبرا و این شورای کبرا به وجود نخواهد آمد مگر به اتفاق ملت، و اتفاق ملت حاصل نخواهد شد مگر به قوت سلسله آدمیت.» (ملکم خان؛ ۲۵۳۵: ۳۹).

انجمن‌های ایالتی و ولایتی

انجمن‌های ایالتی و ولایتی از نخستین مظاهر شورا و اهمیت آن در حوزه بسط کارکرد شورا در سیاست‌های محلی بود. در مهر ماه ۱۲۸۶ که مجلس شورای ملی، متمم قانون اساسی را تصویب کرد، موادی در آن قرار داد که دولت را ملکف به تاسیس انجمن‌های ایالتی و ولایتی می‌کرد (خدوی زاده؛ ۱۳۸۶: ۴۲). در دوره نخست مشروطه این انجمن‌ها به خصوص انجمن ایالتی آذربایجان و تبریز و انجمن‌های رشت و اصفهان و شیراز نقش موثری در روندها داشتند. انجمن‌های ایالتی دارای ۱۲ نفر عضو از مرکز ایالت، و انجمن‌های ولایتی دارای ۶ نفر عضو از مرکز ولایت بودند. علاوه بر آن، از هر ولایت تابع ایالت یک نفر به انجمن ایالتی، و از هر بلوک تابع ولایت یک نفر به انجمن ولایتی اضافه می‌شد. در زمان رضاشاه، قانون شهرداری‌ها (۱۳۰۹) نوشته شد و مقرر گردید انجمن بلدیة تشکیل شود، با این حال، این انجمن فقط شامل تجار، مالکان و سرمایه داران بود و حق انتخاب با توده مردم نبود. در این قانون دولت موظف شد تا

به: شیخ فضل الله نوری، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۲۵ هـ، به نقل از ترکمان، محمد: رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات، ... روزنامه

شیخ فضل الله نوری، نشر رسا، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۲۰.

انجمن‌های شهری را به رسمیت بشناسد، اما اقدامی رخ نداد (پیران؛ ۵: ۱۳۸۱) پس از شهریور ۱۳۲۰، سید ضیا، رزم آرا، مصدق، قوام و اسدالله علم از افرادی بودند که احیای انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در برنامه‌های خود مطرح کردند که با مخالفت‌هایی مواجه شد، تا در نهایت با گنجاندن این مواد در فرماندوم انقلاب سفید، به قانون بدل گردید. در این دوره، همچنین متأثر از جریان‌های چپ و اندیشه‌های کمونیستی، جمهوری شورایی در گیلان، کردستان، و آذربایجان ایجاد شد که عمر چندانی نیافت.

در دوره پهلوی دوم، با قدرتمند شدن جریان اسلام‌گرا و غیریت با سنت چپ، تفاسیر متنوع و کارکردهای نوین از شورا ظهور کرد. جمعیت فدائیان اسلام خواهان اضافه‌شدن قید اسلام به نام و روح مجلس شورا بود؛ در قالب مجلس شورای ملی اسلامی / شورای ملل اسلامی. از نظر نواب «نمایندگان مجلس شورا بایستی بفهمند که مجلس، مجلس قانون‌گذاری نیست؛ بلکه مجلس شورای ملی اسلامی است» و باید «نمایندگان صالحی برای تشکیل انجمن اتحاد و شورایی میان ملل و حکومت‌های اسلامی در تمام مراکز اسلامی حتی در اقصی نقاط دنیای اسلام، تشکیل دوایری دهند برای اجرای احکام ضروری اجتماعی اسلام و جلوگیری از منکرات و مفساد». (نواب ۱۳۷۵، ۲۸۳).

شورای اهل حل و عقد (زبدگان)

ایده «شورای اهل حل و عقد (زبدگان)» برای انتخاب فقیه حاکم، یکی دیگر از آرای معطوف به شورا بود. آیت الله ربانی شیرازی در خلال نامه به آیت الله خمینی (مورخ ۱۳۴۹/۱/۲۳) پیرامون تبیین ابهامات کتاب «حکومت اسلامی» بر آن بود که با ایجاد شورای اهل حل و عقد زبدگان، زمینه اصلاح مسائل مربوط به تعدد فقها فراهم می‌شود. از نظر او «آیت الله خمینی در زمانی که نظریه ولایت فقیه را ثابت نموده مواجه با تعدد فقها در هر صوب و بلدی شده و چون راهی نداشته فرموده اگر شد حکومت واحد و الا خودمختاری. خودمختاری تجزیه حکومت بزرگ اسلام است. با اینکه در محیط حکومت خودمختاری باز فقها کثیرند، در هر قصبه و دهی ممکن است چند فقیه باشد، پس چه باید کرد؟ در زمینه تعدد، قاعده ما رجوع به آمرهم شورا بینهم و روایات مشورت است.» (روحانی؛ ۷۵۴: ۱۳۸۲). سازمان اسلامی شورا (ساش)، شورای روحانیت مؤتلفه و شورای جاما از دیگر ساختارهای شورامند در این دوره هستند (جعفریان؛ ۲۹۰: ۱۳۹۳).

انقلاب اسلامی؛ از نظام شورایی تا فصل شوراها

مقطع تاریخی انقلاب اسلامی، تقاطع ایده‌ها در خصوص شورا بود؛ به گونه‌ای که با نوعی انباشت

شورااندیشی از جانب گروه‌های ملی‌گرا، اسلام‌گرا، اهل سنت ایرانی و چپ مواجه هستیم. با این حال شورا در دوره جمهوری اسلامی با نوعی نزاع فکری با دیگر تفاسیر از قدرت و همچنین نوعی تورم و تقلیل مواجه است. در این دوره دو شکاف عمده در خصوص ماهیت و گسترده شورا وجود دارد؛ ۱. شکاف شورا/ولایت و ۲. شکاف شورای اسلامی/شورای ملی. با تأکید بر رواج آیات شورا در محافل سیاسی، بحث اداره شورایی نظام سیاسی پس از انقلاب در مرکز مباحث قرار دارد و شورای انقلاب، شوراهای محلی و مجلس خبرگان قانون اساسی/رهبری از نموده‌های مهم شورا هستند.

متأثر از شرایط انقلابی و رواج اسلام‌گرایی در این دوره، اهل سنت ایرانی نیز برای پر کردن خلأ سلطنت به نظریه شورا مراجعه و آن را صورت‌بندی کردند. مجالس خبرگان (قانون اساسی و رهبری) نیز از دیگر مظاهر شورا در ایران معاصر هستند. توفیق محمد الشاوی، مجلس خبرگان در ایران را نمونه‌ای از شورای اهل حل و العقد برای انتخاب رهبر جامعه اسلامی می‌داند (الشاوی؛ ۱۳۷۷). مسئله شورا در مذاکرات تدوین قانون اساسی با عناوینی ذیل رهبری شورایی طرح گردید. سید کاظم حائری و سید محمد مهدی خلخالی بر تشکیل شورای فقیهان در شرایط یافت‌نشدن فقیه اعلم تأکید داشتند (حسینی حائری، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۵۹ - ۱۶۳). در در همان زمان از منظر دلالت الهیاتی - سیاسی شورا، نظرات متفاوتی نیز وجود داشت. آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به این مسئله که تمسک به آیه شورا برای اثبات حاکمیت مردم بر مردم امری باطل است، معتقد بود، استدلال به این آیه بر مسئله حکومت و رهبری وقتی درست است که نخست اثبات شود که امر حکومت از زمره امور مردم است (جوادی آملی؛ ۴۳۲: ۱۳۷۳).

بخش دوم؛ نظریه‌های شورا در ایران معاصر

شوراگرایی در ایران، جریانی یک‌دست و همگون نیست؛ بلکه طیف گسترده‌ای از اندیشمندان مذهبی، ملی‌گرا و چپ را در بر می‌گیرد که هریک به فراخور تحولات و تطورات محیطی، به تامل و کاربست پرداخته‌اند. در این بخش تلاش می‌شود اهم نظریات معطوف به شورا از جانب متفکران ایرانی و کم‌وکیف آن مورد بحث قرار گیرد.

نظریه ولایت عامه

محمدحسین نائینی با نظریه ولایت عامه از نخستین فقهای استدلال‌کننده شورا است. نائینی در «تنبيه الامه و تنزيه المله» با برداشتی از اسلام که توجیه‌کننده استبداد و حاکمیت مطلقه است به شدت مبارزه

می‌کند. تا پیش از نائینی، متفکران شیعه، شورا را در مقابل امامت و ولایت قرار داده بودند (فیرحی؛ ۱۳۸۸). وی منکرین حریت و مساوات و شورا و قانون را «شعبة استبداد دینی» و «از قوای ملعونه‌ای می‌داند که بعد از جهالت ملت به وظایف سلطنت و حقوق خود، از همه اعظم و عاجز هم به واسطه رسوخ در قلوب و محسوب بودن به لوازم دیانت از همه اصعب و در حد امتناع است.» (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). با استفاده از این مبنای اسلامی، نائینی به صورت بندی نظام سیاسی، حکومت شورایی (ولایی) را در برابر حکومت استبدادی (تملیکیه) قرار می‌دهد. از منظر وی وظایف حکومت بر دو قسم است و در اموری که قوانین اسلام، کارکرد ندارند، امور باید مبتنی بر شورا باشد؛ از این رو حکومت متکفل دو وظیفه اصلی است: نخست: «حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هرذی حقی به حق خود و منع از تعدی و تطاول آحاد ملت بعضهم علی بعض الی غیر ذلک.» (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). نائینی بر آن بود که اصل سلطنت اسلامی، شورایی است و در امور غیر منصوص، مشارکت عمومی با مشورت عقلای امت حاصل می‌شود و مجلس شورای ملی تحقق این مهم است (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۱۴). نائینی ضمن تأکید بر ضرورت حضور مردم در تصمیمات سیاسی و ایجاد یک نهاد شورای عمومی تصریح می‌کند که «حقیقت حکومت اسلامی و ولایت بر امور و تصرفات شخصی والی بسیار محدود است، پس شخص والی و سلطان بدون رأی و مشورت عموم ملت که شریک در مصالح نوعیه اند، نمی‌توانند تصرف و اقدامی نمایند و چون اجتماع افراد ملت در هر امری ممکن نیست و عموم اهل تشخیصی نیستند، باید مردمان صالح و عاقل دور هم بنشینند و مشورت نمایند و رأی بدهند.» (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۱۲). ترسیم نظری مباحث نائینی در خصوص شورا این ست که مجلس شورای ملی به منزله یک نهاد نظارتی و تصمیم‌گیر به رسمیت شناخته می‌شود و از آنجاکه تصمیم‌گیری در این نهاد بر اساس مکانیسم رأی اکثریت صورت می‌گیرد، نائینی در توجیه مشروعیت رأی اکثریت، به اصولی همچون رجحان اکثریت بر اقلیت، سنت نبوی و اصل حفظ نظام استناد می‌نماید.

نظریه نظام شورایی

مفهوم مرکزی سید محمود طالقانی در باب شورا به تاسی از نائینی، «نظام شورایی» است. وی برای حل مشکل استبداد در جامعه ایران، مکانیزم حکومت شورایی و نظارت همگانی بر حکومت از طریق امر به معروف و نهی از منکر و انتخابی بودن مسئولان را پیشنهاد می‌کند (طالقانی؛ ۱۳۶۲: ۸۶). طالقانی در «پرتوی از قرآن»، حکومت را دارای رابطه تنگاتنگی با حکمت می‌بیند و معتقد است، جامعه حکیمانه با

نظارت و مشورت آحاد مردم، زندگی سیاسی مردم را سامان می‌بخشد. از نظر وی در عصر غیبت، هیچ کسی حق ولایت و سلطه ندارد و سلطه انبیای الهی را نیز نفی می‌کند؛ از این منظر که معتقد است، پیامبران برای رفع همان سلطه‌ها مبعوث شدند (طالقانی؛ ۸۶: ۱۳۶۲). برای آیت الله طالقانی، شورا در قالب یک مدل حکومتی ترسیم می‌شود و علاوه بر طراحی آن از متن آموزه‌های دینی، تلاش می‌کند، آن را با دموکراسی نیز هماهنگ نماید، به این صورت که در این مدل قدرت از «پایین‌ترین سطوح به بالاترین سطح» در جریان است و نظام اجتماعی و رهبری را توده‌های مردم انتخاب می‌کنند. از نظر طالقانی مشروعیت حکم سیاسی بر پایه شورا ارزیابی می‌شود؛ بنابراین، حکومت شورایی حکومتی است که بر طبق نظر قرآن کریم، مردم در اداره امور سیاسی و شکل‌گیری آن نظام سیاسی نقش جدی دارند و براساس ابزاری مانند امر به معروف و نهی از منکر بر مسئولان نظارت دارند. از نظر طالقانی، ولایت علمای عادل از جانب ائمه است، اما قدر مسلم این نیابت از امور حسیه است. در زمان غیبت، باید دستگاهی وجود داشته باشد تا مانع خودکامگی حکومت و اعمال آن گردد که عبارت است از تعیین حدود و وظایف حاکم، تدوین قانون اساسی و انتخاب نمایندگان از طرف ملت برای مراقبت و نظارت بر امر حکومت (هیأت مسدده).» (نائینی، ۴۳: ۱۳۵۸). طالقانی شور و مشورت را یک اصل جاری در تمام سطوح زندگی مردم می‌داند و تشکل شوراهای مردمی را یکی از اصول فکری خود قرار می‌دهد. به نظر وی اگرچه شورا ممکن است دارای عوارضی باشد، ولی لازم است بهای آن پرداخته شود: «جامعه مانند کودکی است که باید به او امکان راه رفتن را حتی به قیمت زمین خوردن چندین باره داد. چرا که سبب استحکام وی می‌گردد.» (طالقانی؛ ۱۶/۶/۱۳۵۸).

نظریه زندگی شورایی

داود فیرحی در مقام یک نواندیش فقهی معاصر با تأکید بر اینکه باب شورا در میان فقه‌های شیعی در دوره پس از انقلاب اسلامی، باید مجدداً پردازش شود، معتقد است، شورا در ذیل دین اسلام و تحت عنوان شورای اسلامی، موضوعیت یابد و مأموریت در حوزه شورا را به فقه سیاسی واگذار می‌کند. وی متأثر از آرای الشاوی بر آن است که وضعیت و رسالت ویژه فقه سیاسی در این حوزه بر ارزیابی تطبیقی شورا و دموکراسی، تمایز مفهومی و استنباط فروع احکام شورا اسلامی دلالت دارد (فیرحی؛ ۵: ۱۳۷۷). از نظر وی، همسانی‌های ۹۷
صوری شورای اسلامی با مردم‌سالاری غیردینی در مواردی همچون جمعی بودن؛ عقلایی بودن، رقابت‌آمیز بودن زندگی و تصمیمات عمومی است. اما آنچه به‌زعم وی، شورای اسلامی را از الگوی غربی آن جدا

می‌کند، خاستگاه دینی و الزامات اعتقادی شورا است. ازاین حیث که ساختاری ویژه بر فراز شوراها تدارک می‌کند و به همین اعتبار، شورا را به مثابه یک نظامی از زندگی جمعی، موضوع تأملات فقهی قرار می‌دهد. فیرحی مسئله شورا در ایران را به احزاب پیوند می‌زند و معتقد است در آینده نظام جمهوری اسلامی ایران، احزاب اسلامی، سازوکار لازم برای پیوند میان شوراهای چهارگانه (روستا، شهر، استان و شورای عالی استان‌ها) و مجلس شورای اسلامی و ارکان و نهادهای اجرایی کشور را تدارک خواهند دید. از نظر وی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های قانون اساسی، آشتی میان دو اصل امامت و ولایت و زندگی شورایی است و بر فقه سیاسی شیعه است که جزئیات روابط این دو رکن قانون اساسی را برای امروز و آینده تمدن نوین اسلامی تعریف نماید (فیرحی؛ ۴: ۱۳۷۷).

نظریه هیئت اجتماعیه (اولی الامر انتخابی)

جریان احیاگر قرآن موسوم به «قرآن‌گرایان» با نمایندگانی همچون سید اسدالله خرقانی و محمدحسن شریعت سنگلجی با تأکید بر سازوکار انتخابی بودن تعیین اولی الامر از جانب مردم، نوعی «دموکراسی مشورتی/شورایی» را از نص استخراج کردند (خان‌محمدی؛ ۹۳: ۱۳۹۲). خرقانی با ایده «اصلاح نوعیه» تلاش دارد سازگاری اسلام و دموکراسی را نشان دهد. وی سیاست را ذیل «حقوق مشترکه» برشمرده و از مجرای سازوکار «هیئت اجتماعیه»، به شورایی بودن نظام سیاسی می‌رسد: «مملکت به نظر وحدانی من عمومی است؛ پس غیر از خود ملت احدی حق جعل قانون برای آن ندارد، هیئت اجتماعیه از جهت اجتماع باید جعل قانون نماید.» (خرقانی؛ ۹: ۱۳۰۹). خرقانی همچنین به مفهوم «اولی الامر انتخابی» و انتخاب اولی الامر از مجرای شورا می‌رسد. وی در این خصوص معتقد بود از آنجاییکه اولوالامر در قرآن به صورت کلی بیان شده است، در هر زمانی «اشخاص اهل و غیر اهل درصدد تحصیل ریاست اسلام خواهند بود. تعیین و تشخیص و ترجیح اهل را (حاکم صالح) قرآن تعیین کرده»، بنابراین علماء باید آیه را بر عموم مردم عرضه و این مردم هستند که، مطابق قرآن؛ مصداق اولی الامر را انتخاب کنند (خرقانی؛ ۱۱۶: ۱۳۰۲).

نظریه شورای متخصص

سید احمد خمینی پردازنده ایده شورای متخصص ذیل فقیه است. وی برآن است که «ما شورای متخصص می‌خواهیم، مملکت را باید شورای متخصص اداره کند. تنها راه اسلامی حکومت ما هم همین

است.» (خمینی، ۱۳۵۸). سید احمد موافق اعطای اختیارات گسترده به یک فرد نیست و تلاش دارد، ضمن صورت‌بندی یک شورا ذیل فقیه، او را در رأس نگه دارد و به شورا نیز اختیار اخذ تصمیم را دهد: «فقیه در مورد مسائل نظامی فقط می‌تواند بگوید جنگ یا دفاع به مصلحت است یا نه. اما در اینکه چه موضع‌گیری‌هایی به نفع مردم است و چگونه باید دفاع کرد؛ در اینجا فقیه با بقال یکی است.» (خمینی، ۱۳۵۸). وی افراد متشکل از شورای متخصصین و خبرگان را جمعی از «بهترین اقتصاددان‌ها، عالمان اجتماع و افراد آشنا به مسائل فرهنگی و نظامی» می‌داند. مشابه این سازوکار در اندیشه سید محمد حسینی بهشتی نیز وجود دارد و شورا در پیوند با نظریه امت و امامت، قابل‌فهم است (صدر؛ ۲۵۶: ۱۳۹۸). وی در آرای خود به «شورای فقها» برای رهبری جامعه اسلامی می‌رسد و معتقد است، «اگر یک نفر فقیه سرشناس که مورد قبول اکثریت مردم باشد پیدا نشد، آن وقت چه؟ آن وقت شورای فقها. چند نفر از بهترین، زبده‌ترین، پاک‌ترین، آگاه‌ترین فقها، یک شورا درست می‌کنند و این شورا را نمایندگان آگاه منتخب شما مردم تعیین و نامزد و در همبستگی با امام و امت معرفی می‌کنند.» (بهشتی؛ ۳۳: ۱۳۹۰). علی شریعتی نیز بحث شورا را ذیل مفهوم «وصایت شیعی» مورد بحث قرار می‌دهد (شریعتی؛ ۱۶: ۱۳۵۸).

نظریه شورای اولی الامر

مفهوم شورا نزد اهل سنت ایران یکپارچه و کلیتی همبسته نیست؛ بلکه به سبب تحولات سیاسی و اجتماعی و تنوع آراء و مذاهب، گونه‌های متعدد نظری اعم از نظام سیاسی تا یک سازوکار مدنی، آموزشی و مذهبی را در بر می‌گیرد. با واکاوی مفهوم شورا، می‌توان به نظریات متنوعی از جمله شورای اولی الامر، شورای مدنی، شورای سلفی و صورت فقهی و اجتهادی شورا اشاره کرد که هر کدام واجد رویکرد حداکثری و حداقلی به مبانی و سازوکار نظریه عمومی شورا است. شورای اولی الامر از بابت قرابت به مبانی شوراگرایی، دارای اهمیت وافر است. مفتی زاده در این نظریه تلاش دارد از منظر نواندیشی دینی به سیاست بنگرد و باتکیه بر قرآن و عبور از فقه، شورا را در ردیف یک اصل دینی در نظر گیرد. از منظر او در این نظریه رهبری جامعه از مجرای سلسله‌مراتب شورایی به «خلیفه منصوب و تحت نظارت شورا» واگذار می‌شود (مفتی زاده؛ ۳: ۱۳۶۱).

شورا؛ عامل برپایی حکومت حداقلی و بسط پارلمان‌تاریسم

تفسیر مهدی بازرگان از شورا، «همکاری جمعی» در جهت ایجاد جمهوری و حاکمیت قانون است. وی شورا را سازوکاری برای کوچک‌تر شدن دایره دولت، نفی سلطه و ایجاد حکومت حداقلی برمی‌شمرد (بازرگان، ۱۳۷۵: ۴۹). از نظر وی «در امور اجتماعی و مردمی که سیاست نیز در زمره آن است، اصل شورا، لازم‌الرعايه است» و شورا را به آزادی و برابری پیوند و تا اسلام صدر تعقیب می‌نماید (بازرگان، ۱۳۷۸: ۲۶۸). از نظر بازرگان، با مرور آیات شورا، این نتیجه حاصل می‌شود که «در یک جامعه و محیط واقعاً اسلامی و انسانی، نظام حکومتی به حداقل ممکن می‌رسد و موقعیت و اهمیت دولت به میزان جمله کوتاه سه کلمه‌ای «وامرهم شورا بینهم» در قبال هشت آیه و ۹۵ کلمه فوق تقلیل خواهد یافت. حکومت مطلوب و نهایی به لحاظ اسلام، بی‌نیازی و نفی حکومت است.» (بازرگان، ۱۳۷۵: ۵۶).

جایگاه شورا در سنت چپ، به طور کلی مفهومی مربوط به دیکتاتوری پرولتاریا است. به نحوی که، علاوه بر مفهوم تمرکزگرایی دموکراتیک که سعی داشت با آن از غلظت مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا بکاهد، مفهوم شوراها را به عنوان مفهوم مرتبط در مسیر دموکراسی سوسیالیستی، مطرح نماید. مساله شوراها در اسلامی با ابداع چپ ایرانی، در ادامه موضوع مذهب مترقی قابل فهم است.^۱

بخش سوم: استحصال سبک تفکر شورایی

پس از مرور تاریخ تحولات معاصر و نظریه شورا، اکنون تلاش این است با دسته‌بندی نظریه‌ها و ایده‌های شورا، نسبت آنها با شوراگرایی و ظرفیت ساختاری و نهادی آن، شناسایی و مورد تأمل قرار گیرد. برای ارائه یک تصویر جامع‌تر از نظریه‌های شورا در ایران، لازم است دسته‌بندی مختلفی را از حیث ماهیت، ساختار، گستره، حیطه شمول و کارکرد مورد تأمل قرارداد. در ایران، چند جریان عمده در صورت‌بندی مفهوم شورا و درصدد ایجاد یک ساختمان قدرت بر اساس مبانی شورا و ایدئولوژی و سنت خود مؤثر بودند. این

۱. از منظر حزب توده، «اسلام به کاست جوامع ایران و روم و هند و چین بی‌اعتنا ماند و مبتنی بر آیه قرآن: اَلَّذِینَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وِمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یَنْفِقُونَ و نیز و شاورِهِمْ فِی الْاَمْرِ به شوری اعتبار بخشید.». برای اطلاعات بیشتر ر. ک به طبری، احسان (۱۳۳۶)، تحول دموکراسی از جهت شکل و محتوا در سیر تاریخ، دنیا، شماره ۳، آبان ماه ۱۳۳۶، ص ۳۶.

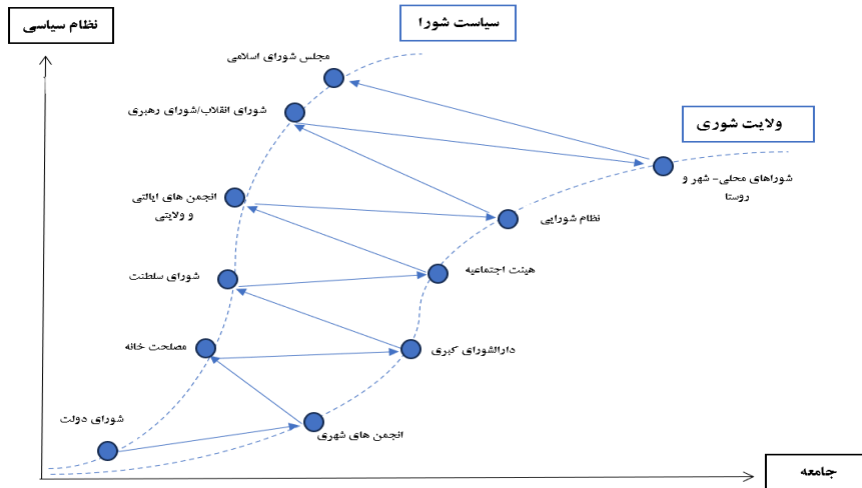
جریان‌ها شامل تشیع سنتی؛ تشیع سیاسی؛ روشنفکران دینی، تشیع قرآن‌گرا، جریان چپ؛ جریان ملی‌گرا و نواندیشان دینی/فقهی هستند که طبعاً از نظر فکری خالص و بی‌پیرایه نیستند و نظام مسائل آنها را باید در قالب فهم سایش‌های فکری و تعاملی، فهم کرد.

با تأملی بر تاریخ معاصر، شورا به مثابه یک مفهوم/سازوکار سیال، در میان جریان‌های فکری در نوسان بوده است؛ به نحوی که در غیریت با چند «کلان مسئله» اعم از استبداد، سلطنت، دموکراسی، سنت چپ و ولایت/امامت، زمینه طرح و بحث یافت. به عبارت بهتر موضوعیت یافتن شورا در ایران معاصر، معلول چند ساله شامل شورش جامعه علیه استبداد، مقابله با سلطنت، مواجهه با دموکراسی و هم‌نشینی شورا با امامت و ولایت بوده است. متفکران سیاسی پیشامشروطه برای پر کردن خلأ سیاسی سلطنت به نظریه شورا به منظور ایجاد یک سامانه دولت دینی در ایران مراجعه کردند و این تلاش مشخصاً از دهه ۱۳۴۰ ش، نزد گروه‌های اسلام‌گرا در پیوند با دموکراسی و به مثابه «مرحله نهایی دموکراسی اسلامی» ترسیم گردید (خسروشاهی؛ ۵۲: ۱۳۹۳). در دوره جمهوری اسلامی نیز، این نگرش وجود دارد که شورا اگرچه در امور اهمیت دارد و ساختارهای متعددی برای اجرای آن در سطوح مختلف ایجاد شده است، اما با این حال در زمان سیاست‌گذاری، شورا، ماهیتی مشورتی پیدا می‌کند.

ولایت شورا در مقابل سیاست شورا

با مرور تحولات تاریخی، نظرات و ایده‌ها در باب شورا، دو گونه سبک تفکر شورا در ایران معاصر ذیل «ولایت شورا» و «سیاست شورا» قابل استحصال است. ولایت شورا، ناظر بر وضعیتی شوراگرایی است که در آن، نهاد شورا، واجد تصمیمات سیاسی الزام‌آور است و هیچ ساختار فردی در مرتبه‌ای بالاتر از شورا در تنظیم مناسبات جمعی جامعه قرار ندارد. افراد، ساختارها و نهادها همگی خدمتگزار شورا و تابع تصمیمات آن هستند. از حیث تئوریک می‌توان مصادیق این سبک تفکر را نظریه ولایت عامه، نظریه نظام شورایی، نظریه زندگی شورایی، نظریه اولی الامر انتخابی و آرای مهدی بازرگان دانست. در مقابل، سیاست شورا، سازوکاری است در خدمت افراد و ساختارها که منتج به شورای مشورتی ذیل فرد یا ساختار فردی می‌رسد که واجد کارکردهای فرعی در سطوح قانون‌گذاری و اجرایی است. درحالی که مسیر اعمال ولایت شورا، نهادی از پایین به بالا است و از پایین‌ترین سطح فکر جامعه به بالاترین سطوح حکمرانی منتقل می‌شود، سیاست شورا به شکلی عمودی از بالا به پایین رواج دارد. نظریه شورای متخصص، سنت چپ، آرای بهشتی و ساختارهایی

نظیر شورای انقلاب و شورای زبدگان/خبرگان، در این دسته جای می‌گیرند. در نمودار زیر، سیر نظری و عینی شورا در ایران معاصر ناظر بر تحولات سیاسی و تبعات نظری، ترسیم شده است.



نمودار ۱. سیر نظری سبک تفکر ولایت شورا و سیاست شورا در ایران معاصر
ولایت شورا و سیاست شورا به مثابه دو سبک تفکر شورایی در ایران معاصر، هر یک واجد ساختارها و کارکردهای عینی مختص به خود بوده‌اند که در یک فضای متداخل و متأثر، از یکدیگر اثرپذیری داشته و در یک روند تصاعدی، در مواردی نیز همدیگر را دفع نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

این مقاله در پاسخ به این سؤال تدوین شد که از مجرای بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی شورا و نظریات متفکران ایرانی، ماهیت سبک تفکر شورایی واجد چه مختصات است. باتوجه به غیبت تاریخی شورا در ابواب فقهی و نحیف بودن کارکرد آن در ساخت سیاسی و همچنین شکاف‌های قدرتمند میان ولایت/شورا و مجلس شورای اسلامی/شورای ملی، مکانیزم‌های تعیین بخش شورا ذیل دو سبک تفکر ولایت شورا و سیاست شورا قابل استحصال است. ولایت شورا، با تأکید بر نهاد شورا و نظام شورایی، زمینه فکری و عملی لازم برای گذار از نظم سلطانی به نظم مشروطه و از نظم مشروطه به نظم جمهوریت را فراهم آورد؛ درحالی‌که

سیاست شورا، ضمن اختلاط شورا با مفاهیم مشورت، مجمع و دیگر ساختارهای فردگرایانه، شورا را دچار فروکاهش نظری و مانع از تعیین‌کنندگی آن در قامت نهاد قانون‌گذار و تنظیم‌گر امور جمعی نموده است. روندی که در یک قرن گذشته با مرور تحولات تاریخی مشهود است، فقدان پرورش ادبیات نظری شورا، ایجاد ساختارهای غیر شوراکراتیک، تورم شوراهای مشورتی و مغالطات منجر به عدم اثربخشی آنها در حل مسائل جامعه ایران است.

فهرست منابع

۱. الشاوی، توفیق محمد (۱۹۹۵) الشوری اعلى مراتب الديمقراطية، قاهره، دارالزهره للاعلام العربی.
۲. الشاوی، توفیق محمد (۱۹۹۳): فقه الشوری والاستشاره، مصر، داراولوفاء المنصوره.
۳. الشاوی، توفیق محمد (۱۳۷۷) گفت‌وگو با مجله حکومت اسلامی، قم، ش ۱۰.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۷۵) ناگفته‌های بعثت، بازیابی ارزش‌ها ۱، تهران، مجموعه آثار مهندس مهدی بازرگان، جلد ۲۶.
۵. بازرگان، مهدی (۱۳۷۸) توهین و تعظیم در اسلام و در ایران، بازیابی ارزش‌ها، تهران، مجموعه آثار مهندس مهدی بازرگان- جلد ۲۶.
۶. پیران، پرویز (۱۳۸۱) شورا در ایران، نگاهی آسیب شناسانه، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۵.
۷. ترکمان، محمد (۱۳۶۳): رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، و... روزنامه شیخ فضل الله نوری، نشر رسا، تهران، ج ۱.
۸. جعفریان، رسول (۱۳۹۳) جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، تهران، نشر علم.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹) ولایت فقیه: ولایت فقاها و عدالت، قم، نشر اسراء.
۱۰. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰) مبانی نظری قانون اساسی، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت الله بهشتی، انتشارات روزنه.
۱۱. حسینی حائری، کاظم (۱۴۲۵ ق). ولایه الامر فی عصر الغیبه، قم، مجمع اندیشه اسلامی.
۱۲. حقیقت، سید صادق (۱۳۹۳) تاریخ عقاید، تاریخ فکری و مطالعات سیاسی، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، ش ۱۴.
۱۳. خان‌محمدی، یوسف (۱۳۹۲) تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. خدوی زاده، علی اکبر (۱۳۸۶) نقش و کارکرد انجمن‌ها در مشروطه اول، مسکویه، دانشگاه آزاد شهر ری، ش ۶.

۱۵. خرقانی، اسدالله (۱۳۰۹) رساله روح التمدن و هویت الاسلام (اسلام چهل سال اول یا دموکراسی عالم.
۱۶. خرقانی، اسدالله (۱۳۰۲) رساله مقدسه قضا و شهادت و محاکمات حقوقی ابدی اسلامی، بی نا.
۱۷. خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۹۳) کتاب نظام شورایی؛ مرحله تکاملی دموکراسی اسلامی، نشر کلبه شروق.
۱۸. خمینی، سید احمد (۱۳۵۸) مصاحبه با روزنامه اطلاعات و رادیو و تلویزیون، ۱۳۵۸/۷/۲۴.
۱۹. رشید رضا، محمد، (۲۰۰۵) الوحی المحمدی، الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، الطبعة: الأولى.
۲۰. روحانی، سیدحمید (۱۳۸۲) نهضت امام خمینی، تهران، انتشارات مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج ۲.
۲۱. سلطانی، عبدالظاهر (۱۳۹۵) اهل سنت ایران، فرصت‌ها و چالش‌ها، آذربایجان غربی، نشر آراس.
۲۲. شریعتی، علی (۱۳۵۸) وصایت و شورا، تهران، شرکت انتشارات قلم.
۲۳. شمس الدین، محمدمهدی (۲۰۰۰) نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، بیروت، مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر.
۲۴. شمس الدین، محمدمهدی (۱۹۹۱) الاجتهاد و التجدید فی الفقه الاسلامی، بیروت، مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر.
۲۵. صدرا، محمد (۱۳۹۸) روحانیت و اندیشه‌های چپ در ایران معاصر، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۶. صدقی، ناصر (۱۳۸۲) نقد و بررسی آراء و اندیشه‌های میرزا عبدالرحیم الهی (از علمای مشروطه) درباره قانون و مجلس شورا، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا.
۲۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات شورى نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی، قابل دسترس در <https://www.shora-gc.ir/0000Xq>.
۲۸. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۵۹) از آزادی تا شهادت، تهران، نشر ابوزر.
۲۹. طبری، احسان (۱۳۳۶) تحول دموکراسی از جهت شکل و محتوا در سیر تاریخ، دنیا، شماره ۳، آبان ماه ۱۳۳۶.
۳۰. فضل الله، محمدحسین، (۱۳۸۰) نسبت قدرت، دموکراسی، شورا و فقهت در جامعه دینی، صدای عدالت، ۱۳۸۰/۸/۲۷.

۳۱. فیرحی، داود (۱۳۷۷) چشم انداز زندگی شورایی، مقاله سردبیر، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، سال اول، شماره دوم.
۳۲. فیرحی، داود (۱۳۸۸) توفیق محمد الشاوی و نظریه عمومی شوری در اسلام، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، ش ۱.
۳۳. فیرحی، داود (۱۴۰۰) دولت مدرن و بحران قانون؛ چالش قانون و شریعت در ایران معاصر، تهران، نشر نی.
۳۴. کدیور، محسن (۱۳۸۵) سیاست نامه خراسانی: قطعات سیاسی در آثار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، ج ۱، ص ۱۵۶، تدوین محسن کدیور.
۳۵. ملک خان (۲۵۳۵) روزنامه قانون، نمره اول، صفحه اول (به کوشش هما ناطق) تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳۶. مفتی زاده، احمد (۱۳۶۱) نامه ها، ۳ شهریور ۱۳۶۱، قابل دسترس در www.moftizadeh.com
۳۷. میراحمدی، منصور (۱۳۹۳) اسلام و دموکراسی مشورتی، تهران، نشر نی.
۳۸. مسانلی، مهدی (۱۴۰۲) اطلس توصیفی اهل سنت ایران، جغرافیا و جریان شناسی مذهبی اهل سنت ایران، نشر امیرکبیر.
۳۹. ناطق، هما و آدمیت، فریدون (۱۳۶۸)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، انتشارات نوید.
۴۰. نائینی، سید محمدحسین (۱۲۸۷)، تنبیه الامامه و تنزیه المله (تنبیه الامه و تنزیه المله فی لزوم المشروطية الدولة المنتخبة لتقليل الظلم على افراد الأمة و ترقية المجتمع).
۴۱. نائینی، محمدحسین (۱۳۵۸) تنبیه الامه و تنزیه المله، یا حکومت از نظر اسلام، به ضمیمه مقدمه و پاصفحه و توضیحات، بقلم محمود طالقانی، تهران.
۴۲. نشریه تربیت، سال ۹، ش ۴۲۸، ۲ ذی حجه ۱۳۲۴ ق/ ۱۷ ژانویه ۱۹۰۷، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۴۳. هیوز، هنری استیوارت (۱۳۷۳) آگاهی و جامعه، مترجم عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

44. Al-Mawardi, Abi Hasan Ali (2006) al-Ahkam al-Sultaniyah. waal-Wilayat al-Diniyah, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah,

45. Al Qaydi, Mishal F (2002) Comparing western liberal democracy and the concept of Shura in moderate Islamist movements, Al Sulami. University of Exeter, degree of Doctor of Philosophy in Middle East Studies.

46. Bavaj و Riccardo (2010) Intellectual History, Saint Louis University, Missouri, U. S. A,

47. H. al-Turabi(1977) Nazarat fi al-Fiqh al-Siyasi (Umm al-Fahm: Markaz al-Dirasat al-Mu‘asira,

48. Timir Kuran (2023) Freedoms Delayed ; Political Legacies of Islamic Law in the Middle East, Cambridge University Press.

49. W. M Floor (1973) The Police in Qājār Persia, Harrassowitz Verlag ,Vol. 123, No. 2.